

## توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی

(قسمت سیزدهم)

### جنبش هجرت مسلمانان هند یا تلک دیگری از دسایس انگلیس

جنبش یا تحریک هجرت یکی از انشعابات جنبش خلافت هند است. گرچه مسلمانان هند به تعداد زیادی در جنبش عدم همکاری کانگرس ملی هند به رهبری گاندهی شرکت نمودند، اما بعضی از رهبران آنها قدم فراتر گذاشتند، و در ماه های اول سال ۱۹۲۰ در اوج احساسات شان در رابطه با شرایط صلح ترکیه با انگلستان، هند بریتانوی را "دارالحرب" خوانده و موعظه های هجرت به کشور همسایه افغانستان (دارالاسلام) را آغاز کردند.

چون غازی امان الله خان هم اعلام کرده بود که دروازه های کشورش بروی مسلمانان هند باز بوده، آنها هر وقتی که خواسته باشند به افغانستان آمده میتوانند، مسلمانهای هند معتقد بودند که افغانستان از آنها با آغوش باز پذیرائی خواهد کرد. اینکه افغانستان در گذشته به پان اسلامیت ها، انقلابیون و شاگردان کالج های لاهور که از هند بریتانوی گریخته بودند، پناه داده بود، آنها را بیشتر تشویق میکرد. علاوه یک عده از رهبران خلافت با محمود طرزی و اعضای دیگر هیئت افغانی که برای دور دوم مذاکرات به هند بریتانوی رفته بودند، ملاقات نموده و از پشتیبانی و حمایت جنبش آزادیبخش هند توسط دولت افغانستان مطمئن شدند.

طراحان جنبش هجرت فعالیت های اساسی شانرا از همین وقت آغاز نموده و شوروشوق هجرت مسلمانان هند را در کنفرانس اعضای جنبش خلافت که به تاریخ ۱۸ و ۱۹ ماه اپریل ۱۹۲۰ در دهلی منعقد شد، توسعه دادند. هدف اصلی این کنفرانس که به پیشنهاد حسرت موهانی دایر شده بود، فشار بالای کمیته مرکزی خلافت بود تا یک برنامه عمل مستقیم را تصویب کند. اما این کار صورت نگرفت و به عوض آن چند جوان آتشپاره و فتنه انگیز موفق شدند این جلسه را به بازار راه اندازی هجرت تبدیل کنند (۱). درین جلسه عطا الله از امرتسر گفت که باید از پالیسی امیر امان الله خان افغانستان استفاده کرد. ملک لعل خان از گجرانواله یک قدم پیشتر رفته اعلام کرد که آنهایی که با هجرت مخالفت کنند بی دین و کافر هستند. و غلام محمد از امرتسر (عزیز هندی)، برخلاف توصیه اعضای کنفرانس، مسلمانان را تشویق کرد تا یا جهاد و یا هجرت کنند. عزیز هندی، کسی که محمد علی او را بارها متعصب خطرناک خوانده بود، عملاً قبل ازین تبلیغات هجرت یا جهاد را آغاز کرده بود (۲). آصف علی در جلسه همان شب از حمایت دولت افغانستان استقبال نموده بر ضرورت جهاد و یا هجرت تأکید ورزید. حتی کمیته مرکزی خلافت، بدون آنکه ماهیت حمایت سیاسی و معنوی دولت افغانستان را درک کرده باشد، خلاصه بیانات غازی امان الله خان را به مطبوعات سپرد. نشر این بیانیه بصورت گسترده در سرتاسر هند تبلیغ شد و شور و شوق قابل توجهی را ایجاد کرد (۳).

درین هیجان و اضطراب عمومی به علمای دینی مراجعه شد، تا کسانی را که برای هجرت آمادگی می گرفتند، رهنمائی کنند. اما آنها درین رابطه اختلاف نظر داشتند، و گرفتن فتوی مشکل بود. غلام محمد عزیز (عزیز هندی) از امرتسر طی تلگرامی از مولانا عبدالباری که یکی از علمای معروف و ثنوریسین عمده جنبش خلافت و رئیس و ناظم مدرسه "فرنگی محل" در "لکنهو" بود مراجعه کرد. وی درین رابطه گفت که "بر مسلمانان لازم است تا علیه انگلیس ها بجنگند، و اگر جنگیده نمیتوانند، باید کشوری را ترک کنند، که در آن از دین شان به آزادی پیروی کرده نتوانند". مطابق به این فتوا در تمام هندوستان کمیته های هجرت ساخته شد تا مسلمانان را تشویق کنند که اموال دنیوی شانرا فروخته به نزدیکترین کشور اسلامی، افغانستان، هجرت کنند (۴).

قابل یاداریست که مولانا عبدالباری این فتوی را تعبیر غلط از تلگراف جوابیه اش میداند. وقتی او به جواب عزیز هندی نوشته بود، محتوی تلگراف اش آنقدر کوتاه بود که ظاهراً معلوم میشد او از هجرت مسلمانان هند بریتانوی پشتیبانی نموده است. اما مولانا قبل از آنکه فرصت وضاحت و یا تصحیح نظرش را داشته باشد، این تلگرام به مطبوعات بومی راه یافت و وسیعاً تبلیغ شد. عارف حصوی از روزنامه "حریت" دهلی اولتر از همه به آن برجستگی داد. وی که هجرت را ضروری میدانست، با شوق و ذوق تمام به ترویج کمپاین هجرت پرداخت. از روزنامه حریت متن پیام مولانا عبدالباری به جراید "پیسه" لاهور، "زمیندار" لاهور، "خلافت" بمبئی، و جراید متعدد دیگر هند رسید.

مولانا عبدالباری عقیده داشت که هندوستان تحت تسلط بریتانیا "دارالحرب" نمیباشد. او فوراً به روزنامه حریت نوشت و توضیح داد که هیچ وقت هجرت را لازمی ندانسته بلکه آنرا ستوده است. از هجرت باید بحیث آخرین وسیله استفاده شود، وقتی که به نفع اسلام باشد. (۵).

جنبش مهاجرت در آغاز تابستان ۱۹۲۰ نخست در "سندھ" آغاز و از کلکته، لکنهو، بهوپال گرفته تا لاهور و پشاور در تمام مناطق شمال هند گسترش یافت. این جنبش احساسات پشتون ها را نیز تحریک نمود. به تاریخ ۱۴ ماه می، بعد از نماز جمعه در مسجد قاسم علیشاه پشاور غلام محمد عزیز (عزیز هندی) که از امرتسر آمده بود، بیانیه ایراد کرده احساسات مردم را به جوش آورد. او برای تأسیس یک کمیته مهاجرین و تنظیم امور جنبش هجرت به پشاور آمده بود. تأسیس این کمیته با تأسیس کمیته خلافت در پشاور همزمان بود که عبدالعزیز سندهی از کراچی و خود غلام محمد عزیز (عزیز هندی) با آن همکاری میکردند. (۶).

اولین دسته مهاجرین بتاريخ ۱۷ می به قصد کابل به پشاور رسید. در اول تعداد شان کم بود، اما به تدریج زیاد شده رفت. تعداد اصلی مهاجرین شناخته نشد، اما گفته میشود که تعداد شان بین پنجاه و یکصد هزار نفر بود. در ماه آگست ۱۹۲۰ بیش از هژده هزار (۱۸۰۰۰) نفر زمین خانه و دکانهای شانرا فروخته به کابل رفتند. دکتر اسدالله حبیب در رساله دوره امانی ص ۱۳ مینویسد که شماره سی و ششم سال اول امان افغان از ورود چهل هزار مهاجر به کابل خبر میداد.

انگلیس ها کوشیدند از احساسات مذهبی مسلمانان هند، که عکس العملی بمقابل سیاست های استعماری انگلیس بود، به نفع خود استفاده کنند. آنها خصوصاً از چندین جهت جنبش هجرت را بحیث وسیله انتقام از غازی امان الله خان مورد استفاده قرار دادند:

#### در مضیقه قرار دادن دولت امانی

به گفته دانشمند و مؤرخ افغان، آقای پیکار پامیر "مقامات هندبرتانوی دقیقاً میدانستند که با تشویق هندی ها برای مهاجرت به افغانستان و تبلیغات وسیع مبنی بر " اعطای زمین و امتیازات از طرف دولت امانی برای مهاجرین هندی"، مزید برسواستفاده استخباراتی، دولت نو پای افغانستان را از نظر مالی و امنیتی در مضیقه قرار داده و عدم توانایی جانب افغانی در اعاشه و ابطه سیل مهاجرین، انعکاسات منفی و انزجار عمومی علیه شاه امان الله خان و سلطنت او را به وجود خواهد آورد. چنانکه همانطور هم شد و گروه های زیادی از مهاجرین هند وقتی عدم امکانات رفاهی و نبود زمین، پول، خوراک، پوشاک و هر آن چیز دیگری را که در هند شنیده بودند، ملاحظه کردند، مجدداً به وطن اصلی شان برگشتند و این حرکت، واقعاً انعکاسات منفی را در هندوستان و بخصوص در میان آزادیخواهان آن کشور به بار آورد (۷)."

ظفر حسن ایبک، که خود یک مهاجر هندی دوران امیرحبیب الله خان بود، در خاطرات خود مینویسد که "با صدور فتوای هجرت، مسلمانان ساده لوح، خانه و مزرعه خویش را به نصف قیمت به فروش رساندند و بدون عاقبت اندیشی، و تفکر از نتیجه آن بطرف افغانستان رهسپار گردیدند. درین جوش و خروش آن بیچاره ها، نه تنها دین دوستی نقش داشت، بلکه مستمندی و حالت دردناک مالی شان نیز بی تأثیر نبود. آنها گمان میکردند که دهن خزانه دولتی در افغانستان برای آنها باز شده است". او علاوه میکند که "انگریز ها که از ناتوانی مالی افغانستان و بی سروسامانی نهضت هجرت هندوستان، آگاهی کامل داشتند برای ناکام ساختن این نهضت از هیچ عملی فرو گذاشت نکردند. مأمورین انگلیسی برای مردم هندوستان باغ های سبز و سرخ را نشان میدادند و به آنها میگفتند به مجردی که به کابل برسند، ثروتمند خواهند شد. برخی ایجنت های حکومتی از احساسات مذهبی مردم سو استفاده می بردند و ایشان را به هجرت تشویق میکردند، و به این ترتیب نهضت هجرت برای مسلمانان افغانستان، پنجاب و سرحد عوض اینکه رحمت شود، آفت گردید" (۸).

دولت افغانستان در حالی که برای جلوگیری از نفوذ مهاجرین در امور سیاسی افغانستان تدابیر وقایوی را اتخاذ نموده بود، کمیته مهاجرین هندی را ساخت تا به کمک مأمورین افغان به امور مهاجرین رسیدگی کند. اعضای برجسته این کمیته عبات بودند از داکتر عبدالغنی، محمد اکبر خان "مهاجر" یوسف زی، داکتر نور محمد سندهی، ارباب محمد رضا پشاور، غلام محمد عزیز (عزیز هندی) که خود را این بار خادم مهاجرین میگفت، محمد اقبال شیدائی، و جانمحمد جونجو. دولت همچنان برای پذیرش مهاجرین هندی نظامنامه در سی و دو (۳۲) فقره ترتیب نمود که بر اساس آن مهاجرین میبایست حین ورود به افغانستان مطابق به نظامنامه مخصوص آن تذکره تابعیت اخذ نمایند.

#### دسیسه ضعیف ساختن جنبش آزادیبخش هند

رهبران سیاسی و مذهبی هند مخالف مفکوره هجرت مسلمانان بوده آنرا به نفع جنبش آزادیبخش هند نمیدانستند. گاندهی که در اوایل از جنبش خلافت حمایت میکرد در مقالات متعددش در جریده Young India (هند جوان) (۹) از داعیه

خلافت پشتیبانی نموده نوشته بود که "داعیه خلافت ننتها عادلانه و عاقلانه است، بلکه نسبت اینکه عواطف جهان اسلام را به همراه دارد، از پشتیبانی نیروی عظیمی برخوردار است". گاندهی که پشتیبان افغانستان بود، و قبلاً گفته بود که "اگر افغانستان بر هند حمله کند او به هندوستانیان خواهد گفت که به حکومت هند (بریتانوی) کمک نکنند (۱۰)"، با هجرت مسلمانان هند مخالف بود. وی استدلال میکرد که چون ما نمیتوانیم ازین طریق بر حکومت هند (بریتانوی) فشار وارد کنیم، لذا خارج شدن مسلمانان از هند یک قدم عملی نیست. گاندهی پافشاری میکرد که هجرت باید تا وقتی که "جنبش عدم همکاری" به مرحله نهائی اش برسد، معطل شود (۱۱).

مولانا شوکت علی و عده دیگر از رهبران جنبش خلافت هم عقیده داشتند که برای دوام همکاری هندوها باید با هجرت مخالفت کرد. وی در یک اعلامیه هفته اول جولای ۱۹۲۰ مجدداً تأکید کرد که تا هنگامی که جنبش "عدم همکاری" به نتیجه منطقی نرسیده باشد، اقدام به هجرت و آسیب رساندن به وحدت عمل آزادیخواهان هند، یک کار عاقلانه نیست (۱۲).

جمعیت علمای هند و کمیته مرکزی جنبش خلافت هم هجرت را تشویق نمیکردند. این دو گروه در مجلس هفته اول ماه جون ۱۹۲۰ هجرت را اختیاری دانسته و تصمیم گرفتند که هجرت نباید بصورت کتلی (جمعی) باشد. در پهلوی این شخصیت های برجسته و میانه رو جنبش خلافت مثل حسرت موهانی، حکیم اجمل خان، داکتر مختار احمد انصاری، داکتر اقبال لاهوری و دیگران نیز شدیداً با هجرت مخالف بوده معتقد بودند که هجرت به نفع جامعه شان نیست. آنها با تمام قوا کوشیدند ازین جریان جلوگیری کنند (۱۳).

غازی امان الله خان، با در نظر داشت مشکلات دولت و مهاجرین، به توافق کمیته مهاجرین هندی، به تاریخ ۹ ماه اگست ۱۹۲۰ امر تعویق مهاجرت را صادر کرد و تا فراهم ساختن امکانات رفاهی به مهاجرین موجود از آمدن مهاجرین جدید ممانعت کرد. و این نقطه پایان جنبش ناکام مهاجرت بود. جنبشی که بعضی ها آنرا یک جنبش مصنوعی خوانده اند.

از جمله مهاجرین حدود ۷۵ در صد دوباره بشمول خان عبدالغفار خان و ارباب پشاور به خانه هایشان برگشتند. مهاجرینی که در کابل و جاهای دیگر مسکن گزیدند، از کمک و همکاری مردم قدردانی کردند. غازی امان الله خان به یک عده از تحصیل کردگان خانه و هزینه زندگی را آماده ساخت. یک تعدادی را در مؤسسات مختلف دولتی استخدام کرد، تعدادی هم به قوای نظامی جذب شدند. و یک تعداد هم رهسپار تاشکند، روسیه، آلمان و ترکیه شدند (۱۴).

#### ارسال جواسیس انگلیس در لباس مهاجرین هندی

جنبش هجرت فرصت مناسبی بود برای انگلیس ها. آنها وضعیت را غنیمت شمرده نه تنها با همکاری با رهبران سیاسی مذهبی و استفاده از احساسات مذهبی مسلمانان زمینه هرچه بیشتر هجرت به افغانستان را مساعد ساختند تا دولت نو بنیاد افغانستان را با مشکلات شدید مواجه سازند، بلکه تعداد زیادی از جاسوسان و عمال خود را در جامه و قافله این مهاجرین به افغانستان و از آنجا حتی به بخارا، روسیه، آلمان و ترکیه نیز ارسال کردند.

اختر کاظمی نویسنده کتاب "زور آزمائی های انگلیس ها و افغانها" مینویسد که حکومت افغانستان از چند سال قبل ورود قادیانی ها را، که مسلمان شمرده نمیشدند، ممنوع قرار داده بود، اما آنها ازین فرصت استفاده نموده، با مهاجرین یکجا شده به افغانستان داخل و مخفیانه به موعظه کیش شان پرداختند. درعین حال انگلیس ها، که امان الله خان را خوش نداشتند و میخواستند حیثیت او را نزد مسلمانان هند پائین آورند، تعدادی از ایجنت ها و جواسیس خود را در بین مهاجرین فرستاد تا در راه آنها را دلسرد و پریشان کنند. آنها وظیفه داشتند تا علیه امیر نرفت تولید نموده و آنها را وادار کنند که ناراحت و منزجر به خانه هایشان برگردند. این گماشتگان انگلیس مهاجرین را از سرمای طاقت فرسای کابل میترساندند و توجه آنها را به هر دشواری و سختی راه جلب میکردند. کاظمی علاوه میکند که باوجود این اکثریت مهاجرین خوش بودند و این ترانه را میخواندند:

"گرینگی هجرت، چلینگی کابل، امیر غازی بلا رهی هین"  
(امیر غازی دعوت کرده است، ما هجرت میکنیم، کابل میرویم)

در مقابل گماشتگان فوراً این جواب را میدادند:

"مروگی بهوکی، کهاوگی جوتی، بی جورج پنجم سنا رهی هین"  
(جورج پنجم گفته است، از گرسنگی خواهید مرد، با بوت لت و کوب خواهید شد)

داکتر لعل بها نیز در یکی از مقالات خود نمونه چنین ابیاتی را که به جنبش مهاجرت ارتباط دارد نقل کرده است :

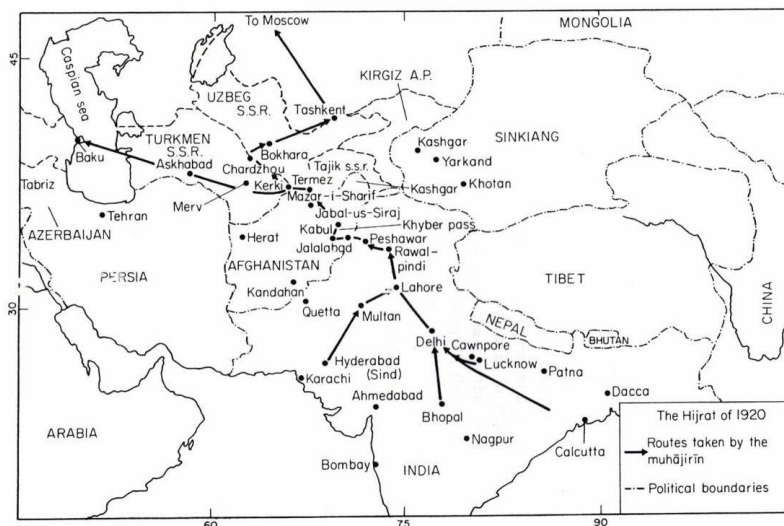
برباد هون، پرواه نهين  
 ناشاد هون، پرواه نهين  
 ای دوستو، جو کچه بهی هون، کابل چلو، کابل چلو  
 از بربادی باکی نداریم  
 از ناخشنودی باکی نداریم  
 ای دوستان، هر چه باشد به کابل روید، به کابل روید  
 برادران هونود! تم کو رهی مبارک وطن کی راحت  
 غریب مسلم، شکسته خاطر، وطن کی الفت لتارهی هین  
 امیر صاحب بلا رهین هین، امیر صاحب بلا رهین هین  
 برادران هونود! راحت وطن مبارک شما  
 مسلمانان بیچاره، دل شکسته، محبت وطن را هدر میدهند  
 امیر صاحب (افغانستان) شما را فرامیخواند  
 امیر صاحب (افغانستان) شما را فرامیخواند

در جمله جاسوسانی که با استفاده از جنبش مهاجرت به افغانستان رفته و بعداً افشا شدند، میتوان از اشخاصی بنام عبدالحق، عبدالرحمن و برادرش عبدالله نام برد. عبدالحق که خود را یک شخص متقی و پرهیزگار نشان داده مردم را فریب میداد، تصمیم گرفته بود از طریق قندهار دوباره به هندوستان عزیمت کند، اما قبل از حرکت از کابل برای مأمور نظامی انگلیسی مقیم کوئته طی نامه از برگشت خود اطلاع داد. او بعد از آنکه نامه بدست افغانها افتاد، پس از تحقیق زندانی و بعد ها به مرگ محکوم گردید. عبدالرحمن و برادرش عبدالله از کابل فرار و از راه سرحد آزادخودرا به هندوستان رسانده بودند. عبدالرحمن بعد از آنکه توسط انگلیس ها برای خنثی ساختن فعالیت های نهضت هجرت دوباره به افغانستان فرستاده شد، در خوست دستگیر و زندانی شد، سر انجام در زندان بدرود حیات گفت (۱۵).

نقشه بالا خط السیر مهاجرین هندی را نشان میدهد که از بهوپال، لکنهو و حیدرآباد سند آغاز و بعد از کابل به جبل السراج، مزار شریف، بخارا، تاشکند، مسکو، باکو و ترکیه میرسد

(ادامه دارد)

## یادداشت ها و مأخذ



۱. Qureshi, Naem (1999)، پان اسلامیزم در سیاست هند بریتانوی، ص ۱۸۲.
۲. همانجا
۳. قریشی، علمای هند بریتانوی و هجرت ۱۹۲۰، مطالعات جدید آسیا، شماره ۱، دور ۱۳ (۱۹۷۹)، ص ۴۶.

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
 یادښت: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په ځير و لولئ

- ۴ . Kazmi, S. A. Akhtar (1984). زور آزمائی های انگلیس ها و افغانها، ص ۱۲۴.
- ۵ . قریشی، علمای هند بریتانوی و هجرت ۱۹۲۰، مطالعات جدید آسیا، شماره ۱، دور ۱۳ (۱۹۷۹)، ص ۴۸.
- ۶ . Marwat, Kakakhel & Sayed Wiqar Ali Shah (1993). افغانستان و سرحد، ص ۱۷۰.
- ۷ . پامیر، پیکار (۲۰۰۳)، ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان.
- ۸ . خاطرات ظفر حسن آیبک (۲۰۰۳)، صفحات ۲۳۳ و ۲۳۴.
- ۹ . هند جوان هفته نامه بود که توسط گاندهی بزبان انگلیسی از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۲ نشر میشد.
- ۱۰ . بمفورد (۱۹۲۵)، تاریخ جنبش های عدم همکاری و خلافت، ص ۲۴.
- ۱۱ . قریشی، علمای هند بریتانوی و هجرت ۱۹۲۰، مطالعات جدید آسیا، شماره ۱، دور ۱۳ (۱۹۷۹)، ص ۵۴.
- ۱۲ . جریده هندو، ۸ جولای، ۱۹۲۰، به نقل از قریشی .
- ۱۳ . اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی L/P&S/20/B288, P261
- ۱۴ . اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۴۴۲ مؤرخ ۲۸ می .
- ۱۵ . خاطرات ظفر حسن آیبک (۲۰۰۳)، صفحات ۲۳۹ و ۲۴۰.